سرمقاله

تاکتیک تازه ترامپ در برابر ایران

ادامه از صفحه یک

اما موضع‌گیری ۱۲ نوامبر ترامپ درباره اینکه آمریکا نیازی به توافق با ایران ندارد و واگذاری مأموریت‌های دیگر به ونس، نشان داد که مسیر دیپلماسی با محدودیت‌ها و نوسانات جدی روبه‌روست.

این رفتار را باید در چارچوب شخصیت معامله‌گر ترامپ فهم کرد. او مذاکره را لزوماً به‌عنوان یک فرآیند مبتنی بر اعتماد متقابل نمی‌بیند؛ بلکه آن را ابزاری برای تغییر موازنه، افزایش امتیازگیری و تحمیل شرایط مطلوب خود تلقی می‌کند. به همین دلیل، هرگاه تصور کند فشار اقتصادی می‌تواند امتیازات بیشتری به دست آورد، ممکن است از شتاب‌دادن به مذاکرات فاصله بگیرد و به سیاست انتظار و فرسایش روی بیاورد.

اما در این میان یک متغیر مهم وجود دارد که محاسبات واشنگتن را با محدودیت مواجه می‌کند: تنگه هرمز. این آبراه صرفاً یک گذرگاه جغرافیایی نیست؛ بلکه یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده امنیت انرژی و اقتصاد جهانی است. هرگونه بی‌ثباتی پایدار در این منطقه، فقط ایران را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه بازارهای جهانی، کشورهای واردکننده انرژی و حتی متحدان آمریکا را نیز با هزینه‌های جدی مواجه می‌کند. بنابراین، تصور اینکه می‌توان ایران را تحت فشار قرار داد، بدون آنکه پیامدهای این فشار به سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی منتقل شود، با واقعیت‌های ژئوپلیتیک خلیج فارس سازگار نیست.

از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که شکست یا ناکامی در یک مسیر نظامی الزاماً به معنای تغییر هدف راهبردی نیست. ممکن است ابزارها تغییر کنند، اما هدف همچنان پابرجا بماند. فشار اقتصادی، محدودسازی منابع مالی، ایجاد نااطمینانی در فضای سرمایه‌گذاری و استفاده از شکاف‌های سیاسی و اجتماعی، می‌توانند در امتداد همان سیاستی قرار گیرند که پیش‌تر با تهدید نظامی دنبال می‌شد.

در چنین شرایطی، مهم‌ترین خطای محاسباتی برای تهران آن است که تغییر لحن واشنگتن را با تغییر قطعی نیت آن اشتباه بگیرد. همان‌گونه که نباید هر پیام دیپلماتیکی را نشانه حسن نیت دانست، نباید هر بن‌بست مذاکراتی را نیز به معنای پایان ظرفیت دیپلماسی تلقی کرد.

ایران برای عبور از این مرحله به دو مؤلفه هم‌زمان نیاز دارد: بازدارندگی مؤثر و دیپلماسی هوشمند. بازدارندگی زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل از هزینه‌های هرگونه ماجراجویی نظامی اطمینان داشته باشد؛ اما دیپلماسی نیز زمانی به نتیجه می‌رسد که بتواند از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و سیاسی کشور برای تأمین منافع ملی بهره ببرد.

در کنار این دو مؤلفه، امنیت اقتصادی و انسجام داخلی اهمیت دوچندان دارد. فشار خارجی زمانی اثرگذارتر می‌شود که با ضعف مدیریت، بی‌اعتمادی عمومی، اختلافات جناحی و ناتوانی در سامان‌دهی ظرفیت‌های داخلی همراه شود. از این منظر، تقویت اقتصاد، حمایت از معیشت مردم، شفافیت در تصمیم‌گیری و پرهیز از رقابت‌های فرسایشی سیاسی، بخشی از راهبرد امنیت ملی است، نه موضوعی جدا از آن.

نکته پایانی آنکه ترامپ ممکن است تصور کند زمان به سود فشارهای اقتصادی و دریایی واشنگتن حرکت می‌کند؛ اما زمان در معادلات منطقه‌ای یک‌طرفه عمل نمی‌کند. هر روز استمرار تنش، هزینه‌های جدیدی برای آمریکا، متحدان منطقه‌ای آن و اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند. مسئله اصلی این است که کدام طرف می‌تواند هزینه‌های بحران را بهتر مدیریت کند و از تبدیل فشارهای مقطعی به یک شکست راهبردی جلوگیری کند.

تاکتیک جدید ترامپ را باید گذار از تهدید مستقیم به فرسایش چندجانبه دانست؛ اما پاسخ ایران نیز نباید در چارچوب واکنش‌های مقطعی و صرفاً نظامی محدود بماند. راه عبور از این وضعیت، ترکیب قدرت دفاعی، ابتکار دیپلماتیک، عقلانیت سیاسی و ترمیم بنیان‌های اقتصادی است. در نهایت، آنچه سرنوشت این تقابل را تعیین می‌کند، نه صدای بلندتر تهدیدها، بلکه توانایی هر کشور در تبدیل ظرفیت‌های خود به دستاوردی پایدار در میدان منافع ملی خواهد بود.

«ابتکار» تاکید دولتمردان برای عبور از وضعیت نه جنگ نه صلح را بررسی می‌کند

معمای تصمیم بزرگ

گروه سیاسی - روابط ایران و آمریکا در شرایطی قرار گرفته که نه نشانه‌های روشنی از دستیابی به توافقی پایدار دیده می‌شود و نه نگرانی از بازگشت درگیری‌های نظامی به‌طور کامل از میان رفته است. در چنین فضایی، تداوم وضعیت موسوم به «نه جنگ، نه صلح» به یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی و اقتصاد ایران تبدیل شده است. از یک‌سو، مسعود پزشکیان و محمدباقر قالیباف بر ضرورت عبور از این وضعیت تأکید دارند و از سوی دیگر، در فضای سیاسی کشور دیدگاه‌هایی مطرح می‌شود که هرگونه مذاکره تازه با واشنگتن را بی‌نتیجه یا حتی زیان‌بار می‌دانند. این تفاوت رویکردها پرسشی اساسی ایجاد کرده است؛ اینکه اگر ادامه وضعیت موجود مطلوب نیست و مسیر مذاکره نیز با مخالفت و بی‌اعتمادی روبه‌روست، ایران چگونه می‌تواند از بن‌بست کنونی عبور کند؟



تأکید بر پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باید با توضیح روشن درباره وضعیت مطلوب همراه باشد. آیا هدف، دستیابی به توافقی جامع است؟ آیا اجرای تفاهمات پیشین کفایت می‌کند؟ یا قرار است از طریق ترتیبات محدود امنیتی و اقتصادی، تنش‌ها به‌تدریج مدیریت شوند؟

پایان بلاتکلیفی؛ مطالبه مشترک

در همین راستا محمدباقر قالیباف رئیس مجلس روز یکشنبه ۲۴ آبان در نطق پیش از دستور خود بار دیگر تأکید کرد که ایران در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باقی نخواهد ماند. به گزارش ایسنا، او اعلام کرد در صورت پذیرش هفت شرط ایران از سوی آمریکا، مسیر توافق باز خواهد بود؛ در غیر این صورت، کشور برای مقابله با تهدیدهای احتمالی آمادگی دارد.

این موضع از آن جهت اهمیت دارد که هم‌زمان دو پیام متفاوت را در بر می‌گیرد. ینی باز بودن امکان توافق و تأکید بر حفظ بازدارندگی نظامی. در واقع، قالیباف خروج از وضعیت موجود را ضرورتی راهبردی معرفی می‌کند، اما تحقق آن را به پذیرش شروط ایران وابسته می‌داند. در سوی دیگر، پزشکیان نیز در مواضع خود بر ضرورت کاهش بلاتکلیفی و فراهم شدن شرایط مناسب برای اداره کشور تأکید داشته است. بااین‌حال، اشتراک نظر درباره نامطلوب بودن وضعیت کنونی الزاماً به معنای توافق بر سر ابزارهای عبور از آن نیست.

دو برداشت از یک بحران

در فضای سیاسی ایران، دست‌کم دو برداشت درباره مسیر خروج از بن‌بست قابل شناسایی است. یک دیدگاه معتقد است فشارهای نظامی و اقتصادی آمریکا نشان داده که توافق بدون تضمین‌های معتبر نمی‌تواند امنیت و منافع کشور را تأمین کند. طرفداران این رویکرد، تقویت بازدارندگی و ایستادگی بر شروط اعلام‌شده را لازمه جلوگیری از تکرار بحران می‌دانند.

در مقابل، دیدگاهی دیگر بر این مسئله تأکید می‌کند که حتی در شرایط بی‌اعتمادی شدید نیز نمی‌توان ابزار دیپلماسی را کنار گذاشت. از این منظر، مذاکره الزاماً به معنای عقب‌نشینی نیست، بلکه می‌تواند وسیله‌ای برای مدیریت اختلافات، کاهش خطر درگیری و دستیابی به توافق‌های محدود باشد. تفاوت این دو برداشت بیش از آنکه درباره ضرورت حفظ منافع ملی باشد، به ارزیابی میزان اعتمادپذیری طرف مقابل و کارآمدی ابزارهای سیاسی بازمی‌گردد. مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که این اختلاف‌ها در قالب پیام‌های متفاوت به افکار عمومی و طرف‌های خارجی منتقل شوند.

مذاکره تمام شده است؟

اظهارات تازه حسن قشقاوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، بُعد دیگری از این اختلاف را آشکار می‌کند. او در نشست خبری خود اعلام کرد که مسیر دیپلماسی بسته نیست، اما ایران از مرحله مذاکره عبور کرده و اکنون در مرحله اجرای توافق قرار دارد. قشقاوی با اشاره به تفاهمات پیشین درباره تحریم‌ها، دارایی‌های مسدودشده و تنگه هرمز، تأکید کرد که موضوعات اصلی قبلاً بررسی شده‌اند و اکنون مسئله، اجرای تعهدات است.

این سخنان پرسشی مهم را پیش می‌کشد. اگر از نگاه بخشی از ساختار تصمیم‌گیری ایران، توافق‌های لازم حاصل شده، اما طرف مقابل آنها را اجرا نکرده است، سازوکار عملی برای واداشتن طرفین به اجرای تعهدات چیست؟ تأکید بر اجرای توافق‌های گذشته می‌تواند مبنایی برای مطالبه حقوق ایران باشد؛ بااین‌حال، زمانی که طرفین درباره اعتبار یا تفسیر تفاهمات اختلاف دارند، ممکن است گفت‌وگوهای تکمیلی برای تعیین شیوه اجرا ضروری شود. بنابراین، تمایز میان مذاکره برای دستیابی به توافق جدید و گفت‌وگو برای اجرای تعهدات پیشین، می‌تواند در کاهش اختلاف دیدگاه‌های داخلی نیز اهمیت داشته باشد.

اقتصاد در انتظار تصمیم

تداوم وضعیت مبهم کنونی، صرفاً یک مسئله دیپلماتیک نیست. اقتصاد ایران نیز از بلاتکلیفی در روابط خارجی تأثیر می‌پذیرد. افزایش هزینه تجارت، دشواری برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری و نگرانی از اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل، از پیامدهای استمرار تنش به شمار می‌روند. قالیباف نیز در سخنان اخیر خود، تولید و معیشت مردم را در کنار مسائل نظامی از مهم‌ترین اولویت‌های کشور دانسته و بر ضرورت مقابله با تورم و نابسامانی بازار تأکید کرده است.

واقعیت آن است که فعالان اقتصادی برای تصمیم‌گیری به چشم‌اندازی نسبتاً قابل پیش‌بینی نیاز دارند. هنگامی که احتمال تشدید تنش یا تغییر ناگهانی شرایط تجاری وجود داشته باشد، بسیاری از تصمیم‌های سرمایه‌گذاری با احتیاط بیشتری اتخاذ می‌شوند. البته همه مشکلات اقتصادی ایران ناشی از تحولات خارجی نیست. ناترازی انرژی، ضعف بهره‌وری، مشکلات نظام بانکی و سیاست‌های داخلی نیز نقش مهمی دارند. بااین‌حال، کاهش نااطمینانی خارجی می‌تواند فضای مناسب‌تری برای پیگیری اصلاحات اقتصادی فراهم کند.

هرمز؛ آزمون دیپلماسی عملی

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سنجش امکان خروج از بن‌بست، تنگه هرمز است. قشقاوی اعلام کرده که طرح مدیریت راهبردی این آبراه پس از بررسی‌های کارشناسی در کمیسیون امنیت ملی، اکنون در انتظار تصمیم هیئت‌رئیسه مجلس قرار دارد.

او همچنین از گفت‌وگوهای انجام‌شده با کشورهای ساحلی درباره ایجاد کریدور دریایی سخن گفته و معتقد است که مخالفت آمریکا مانع اجرای تفاهمات شده است. صرف‌نظر از اختلاف روایت‌ها درباره مسئولیت توقف توافق، موضوع هرمز نشان می‌دهد که حتی در اوج تنش نیز مسائل عملی مشترکی وجود دارند که نیازمند هماهنگی هستند.

امنیت کشتیرانی، انتقال کالاهای اساسی و جلوگیری از حوادث ناخواسته می‌توانند موضوع توافق‌های محدود و مرحله‌ای باشند. چنین ترتیباتی لزوماً به معنای حل اختلافات بنیادین نیستند، اما امکان سنجش میزان پایبندی طرفین به تعهدات را فراهم می‌کنند. در عین حال، هر سازوکار جدید باید با ملاحظات حقوق بین‌الملل دریایی، امنیت کشورهای منطقه و منافع اقتصادی ایران سازگار باشد.

ضرورت یک صدای روشن

یکی از چالش‌های مهم سیاست خارجی در شرایط بحرانی، چگونگی انتقال پیام واحد به طرف مقابل است. طبیعی است که در ساختار سیاسی کشور درباره شیوه مواجهه با آمریکا دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته باشد؛ اما تفاوت دیدگاه زمانی مسئله‌ساز می‌شود که اهداف و شروط نهایی برای مخاطبان داخلی و خارجی مبهم باقی بماند. برای نمونه، تأکید بر پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باید با توضیح روشن درباره وضعیت مطلوب همراه باشد. آیا هدف، دستیابی به توافقی جامع است؟ آیا اجرای تفاهمات پیشین کفایت می‌کند؟ یا قرار است از طریق ترتیبات محدود امنیتی و اقتصادی، تنش‌ها به‌تدریج مدیریت شوند؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند از برداشت‌های متفاوت درباره مواضع رسمی جلوگیری کند. همچنین تفکیک مخالفت با توافق نامتوازن از مخالفت با اصل گفت‌وگو، به روشن‌تر شدن فضای تصمیم‌گیری کمک خواهد کرد.

راه سوم میان جنگ و توافق جامع

عبور از بن‌بست لزوماً به انتخاب فوری میان رویارویی نظامی و توافقی گسترده محدود نمی‌شود. در روابط بین‌الملل، گاهی توافق‌های محدود درباره موضوعات مشخص، زمینه کاهش تنش و بازسازی تدریجی اعتماد را فراهم می‌کنند. برای ایران و آمریکا نیز می‌توان چند سطح متفاوت را از یکدیگر تفکیک کرد: جلوگیری از برخورد نظامی ، توافق درباره ترتیبات دریایی، اجرای تعهدات اقتصادی قابل راستی‌آزمایی و سپس بررسی اختلافات پیچیده‌تر. البته تحقق چنین مسیری به اراده سیاسی دو طرف وابسته است و بدون تعهدات متقابل و سازوکار نظارت، تضمینی برای موفقیت آن وجود ندارد. از سوی دیگر، حفظ آمادگی دفاعی و پیگیری دیپلماسی ضرورتاً دو سیاست متضاد نیستند؛ مسئله اصلی، تعیین نسبت میان آنها و جلوگیری از تبدیل اختلافات تاکتیکی به بلاتکلیفی راهبردی است.

عبور از بن‌بست با چه نقشه‌ای؟

اکنون پرسش اصلی این نیست که ایران باید در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باقی بماند یا خیر؛ زیرا هزینه‌های تداوم نااطمینانی برای اقتصاد و امنیت کشور قابل چشم‌پوشی نیست. پرسش مهم‌تر آن است که خروج از این وضعیت با چه اهداف، ابزارها و تضمین‌هایی دنبال خواهد شد. توافق داخلی بر سر اولویت‌ها، تعیین شروط روشن و قابل سنجش، حفظ کانال‌های ارتباطی و توجه به پیامدهای اقتصادی تصمیم‌ها، می‌تواند به منسجم‌تر شدن سیاست خارجی کمک کند. در مقابل، نبود تعریف مشترک از مقصد نهایی، خطر تداوم همان وضعیتی را افزایش می‌دهد که مسئولان بر ضرورت پایان آن تأکید می‌کنند.

سرانجام، عبور از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بیش از اعلام مواضع قاطع، به نقشه راهی نیاز دارد که هم از منافع و امنیت کشور صیانت کند و هم امکان کاهش تنش و بازگشت ثبات به زندگی اقتصادی مردم را فراهم آورد. مهم‌ترین آزمون سیاست‌گذاری در ماه‌های پیش‌رو، تبدیل این ضرورت مشترک به تصمیم‌هایی روشن و قابل اجرا خواهد بود.

پزشکیان در آیین روز کتاب مطرح کرد

باید رفتار خود را با مسیر درست تطبیق دهیم

رئیس‌جمهور با تأکید بر نقش کتاب و کتابخوانی در افزایش آگاهی، اصلاح رفتار و بهبود تصمیم‌گیری‌ها، گفت: کسی که مسئولیتی را می‌پذیرد، اما دغدغه مردم را ندارد، اساساً شایستگی حضور در آن جایگاه را ندارد و در چنین شرایطی صرفاً عمر خود را تلف می‌کند. ما باید عملکرد و رفتار خود را با سخن و مسیر درست تطبیق دهیم.

به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان صبح یکشنبه ۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۵، در آیین گرامیداشت روز کتاب، کتابخوانی و کتابدار، همزمان با سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به تأثیر عمیق کتابخوانی بر پذیرش و تغییر نگرش افراد، اظهار داشت: همه ما در برابر امر و دستور مقاومت می‌کنیم، اما زمانی که کتاب می‌خوانیم، به دلیل آنکه در کتاب منیّت و تحمیل نظر شخصی وجود ندارد، ذهن، اخلاق و رفتارمان به‌تدریج تغییر می‌کند. در واقع، با استمرار کتابخوانی متحول می‌شویم و با تجربه‌های گوناگون آشنا می‌شویم. از این‌رو، در هر لحظه می‌توان از تجربه‌های ثبت‌شده در کتاب‌ها درس گرفت و عبرت آموخت.

پزشکیان با اشاره به شرایط کنونی جامعه و مشکلات کشور تأکید کرد: ضرورت دارد بدانیم گره و مانع اصلی کار کجاست. کسی که مسئولیتی را می‌پذیرد، اما دغدغه مردم را ندارد، اساساً شایستگی حضور در آن جایگاه را ندارد و در چنین شرایطی صرفاً عمر خود را تلف می‌کند. ما باید عملکرد و رفتار خود را با سخن و مسیر درست تطبیق دهیم.

رئیس جمهور هدف حاکمیت را ایجاد فضایی عادلانه برای برخورداری تمامی آحاد جامعه از زندگی عزتمندانه دانست و افزود: بنابراین باید همواره به فکر مردم باشیم، ذهن خود را محدود نکنیم و در برابر سخن درست موضع نگیریم.

پزشکیان با تأکید بر اینکه مطالعه کتاب زمینه یادگیری و اجرای صحیح آموزه‌ها و در نهایت اصلاح امور را فراهم می‌کند، ادامه داد: کسی که کتاب می‌خواند، می‌آموزد و می‌تواند آنچه را فراگرفته به‌درستی اجرا کند و زمینه اصلاح را فراهم آورد. از جمله آموزه‌های مهم قرآن کریم و سایر کتاب‌ها نیز دوری از دروغ، تهمت و مسائلی از این دست است.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه مطالعه کتاب زمینه یادگیری، اجرای صحیح آموزه‌ها و اصلاح امور را فراهم می‌کند، ادامه داد: از جمله آموزه‌های مهم قرآن کریم و سایر کتاب‌ها، پرهیز از دروغ، تهمت و رفتارهای ناپسند از این دست است. قرآن کریم کتاب رحمت است و به ما درس گذشت، پرهیز از کینه، دشنام و دشمنی می‌آموزد؛ رفتارهایی که در شأن جامعه اسلامی نیست. پزشکیان با اشاره به مفاهیم ارزشمند شاهنامه بیان کرد: در شاهنامه درس‌های فراوانی درباره مبارزه با قلدران و زورگویان و همچنین اصلاح‌گری وجود دارد. آز و طمع از مهم‌ترین مفاهیمی است که در این اثر به آنها پرداخته شده و اگر انسان به این صفات مبتلا شود، به قعر جهنم سقوط خواهد کرد.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به فعالیت کتابداران، نویسندگان و ناشران، آنان را از گروه‌های تأثیرگذار جامعه برشمرد و اظهار داشت: فعالیت‌های شما می‌تواند نسل‌ها و نگرش‌ها را تغییر دهد. کافی است بدانیم و بخواهیم تا بتوانیم در جایگاهی متفاوت از موقعیت کنونی خود قرار بگیریم. ضلالت به معنای فقدان آگاهی و علم و گرفتار بودن در جهل و نادانی است.

پزشکیان با تأکید بر ضرورت شناخت سنت‌ها و روش‌های تاریخی جوامع دیگر، یادآور شد: تصمیم‌گیری بدون برخورداری از تجربه و آگاهی، تصمیمی نادرست است. عزت و سربلندی در گرو شناخت و درک صحیح سنت‌ها و روش‌های تاریخی است و از این طریق می‌توانیم زمینه دستیابی به عزت را فراهم کنیم. بنابراین، هر مدیر، مسئول و دانشجویی که امکان مطالعه دارد، باید برای تغییر شرایط زندگی و بهبود وضعیت موجود کتاب بخواند. امیدوارم در این هفته و با توجه به اقدامات و فعالیت‌های صورت‌گرفته، زمینه مناسبی برای رشد جامعه و گسترش فرهنگ کتابخوانی فراهم شود.

پزشکیان در پایان همچنین با اشاره به ضرورت رفع کمبودها و کاستی‌های حوزه چاپ و نشر، گفت: در دولت درباره راهکارهای برطرف کردن مشکلات و کسری‌های این حوزه بحث و گفت‌وگو خواهیم کرد. می‌توانیم با افزایش آگاهی و ترویج فرهنگ کتابخوانی از وضعیت کنونی عبور کنیم. هر فردی نیز باید در جایگاه و مسئولیتی که بر عهده دارد، خدمتگزار مردم و جامعه باشد.

اخبار

با بنزین و معیشت مردم بازی نکنید

عضو فراکسیون مستقلین ولایی مجلس با طرح این پرسش که چگونه روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود اما مسئولان از آن بی‌خبرند، گفت: اگر توان مقابله با قاچاق سوخت را ندارید، این کار را به همین مردمی بسپارید که در خیابان‌ها حضور دارند تا ببینید می‌توانند جلوی قاچاقچیان را بگیرند یا خیر.

به گزارش ایسنا، روح‌الله لک‌علی‌آبادی در جلسه علنی وبیناری دیروز (یکشنبه ۲۴ آبان) در نطق میان دستور خود با انتقاد از عملکرد برخی مسئولان گفت: من از بیگانگان هرگز نمی‌نالم چراکه وقتی بیگانگان تجاوز می‌کنند، مردم با مشت پولادین در دهانشان می‌زنند، اما نمی‌دانیم با برخی آشنایان ناآگاه چه کنیم که با تصمیم‌های خلق‌الساعه خود زندگی مردم را دشوار می‌کنند.

وی افزود: بعضی از مسئولان اگر کار نکنند، مردم راحت‌ترند و اگر حرف نزنند، مملکت آرام‌تر است. از سخنگوی دولت می‌خواهم سخنی نگوید و برخی مسئولان نیز اظهارنظر نکنند؛ چرا اعصاب مردم را به هم می‌ریزید؟ اگر حرف حسابی برای گفتن ندارید، دست‌کم سکوت کنید. لک‌علی‌آبادی با اشاره به مشکلات اقتصادی و افزایش قیمت کالاهای اساسی گفت: تورم زندگی مردم را تحت فشار قرار داده است؛ از گوشت و مرغ گرفته تا دارو و حالا نیز موضوع بنزین مطرح شده است. چرا برخی متوجه نیستند که مردم با دشواری زندگی می‌کنند؟ این نماینده مجلس با انتقاد از طرح موضوع بنزین و راهکارهای پیشنهادی برای مدیریت مصرف سوخت گفت: اگر دولت می‌خواهد به فکر سوخت باشد و مشکل بنزین را حل کند، باید جلوی قاچاقچیان را بگیرد، خودروها را اصلاح کند و با مافیا مقابله کند. چرا هر زمان می‌خواهیم جراحی اقتصادی انجام دهیم، فشار آن بر مردم وارد می‌شود؟ در هر جراحی اقتصادی، بخشی از گوشت تن مردم قربانی می‌شود. وی با طرح این پرسش که چگونه روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود اما مسئولان از آن بی‌خبرند، گفت: اگر توان مقابله با قاچاق سوخت را ندارید، این کار را به همین مردمی بسپارید که در خیابان‌ها حضور دارند تا ببینید می‌توانند جلوی قاچاقچیان را بگیرند یا نه. لک‌علی‌آبادی تأکید کرد: با بنزین بازی نکنید؛ این موضوع می‌تواند کشور را به آتش بکشد. چرا متوجه شرایط مردم نیستید؟ کالابرگ مردم را قطع کرده‌اید، حقوق مردم کافی نیست، قیمت آب و برق افزایش یافته و سفره مردم کوچک‌تر شده است. دست از گلوی مردم بردارید و اجازه دهید نفس بکشند. وی با اشاره به حضور مردم در صحنه و حمایت آنان از کشور گفت: مردم دیگر چه کاری باید انجام می‌دادند که انجام نداده‌اند؟ پس از یک سال که شبانه‌روز در صحنه حضور داشتند، انتظار می‌رود به‌جای تشکر، با تصمیم‌هایی که فشار بیشتری بر زندگی آنان وارد می‌کند، مواجه نشوند.

نماینده دورود و ازنا با انتقاد از دشوار شدن تأمین نیازهای اولیه زندگی اظهار کرد: خرید خودرو برای مردم به آرزو تبدیل شده، خرید مسکن برای بسیاری از خانواده‌ها دست‌نیافتنی شده و حتی سفر خانوادگی نیز به حسرت تبدیل شده است.

وی با انتقاد از توصیه برخی مسئولان برای برنامه‌ریزی چندماهه سفر گفت: با این گرانی‌ها مردم حتی برای هفته آینده خود هم نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند؛ با چه پولی باید به مسافرت بروند؟

لک‌علی‌آبادی در ادامه با اشاره به وضعیت معیشتی بازنشستگان گفت: یک بازنشسته با حقوق ۲۵ میلیون تومان چگونه می‌تواند زندگی کند؟ آیا از تأمین هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش برمی‌آید؟

وی همچنین با اشاره به وضعیت حقوق معلمان افزود: معلمان با فیش‌های حقوقی خود در برابر دانش‌آموزان شرمنده‌اند؛ در حالی که قرار است نسل آینده کشور را تربیت کنند.

این نماینده مجلس با انتقاد از وضعیت حقوق پرستاران و نیروهای مسلح نیز گفت: حقوق پرستاران کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. نیروهای مسلح در برابر دشمن جانانه ایستادند، اما در تأمین نیازهای خانواده خود با مشکل مواجه‌اند.

وی با اشاره به موضوع تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی گفت: درباره تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی نیز مطالبات و مشکلاتی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.



موافقت مجلس با بررسی فوری اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات

بهارستان در مسیر بازنگری اطلاعاتی



موافقت مجلس شورای اسلامی با یک فوریت طرح اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات، بار دیگر موضوع بازنگری در ساختارها و چارچوب‌های قانونی نهادهای اطلاعاتی کشور را در کانون توجه قرار داده است. نمایندگان مجلس در شرایطی به تسریع بررسی این طرح رأی داده‌اند که تحولات امنیتی و پیچیده‌تر شدن تهدیدهای داخلی و خارجی، ضرورت ارزیابی مستمر قوانین مرتبط با امنیت ملی را برجسته کرده است. بااین‌حال، هنوز جزئیات اصلاحات پیشنهادی منتشر نشده و مشخص نیست تغییرات موردنظر نمایندگان دقیقاً کدام بخش از قانون موجود را در بر می‌گیرد. از همین رو، اهمیت مصوبه اخیر بیش از آنکه در محتوای اصلاحات باشد، در آغاز روندی پارلمانی برای بررسی دوباره یکی از قوانین مهم حوزه امنیت کشور است.

موافقت مجلس با یک فوریت

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجازی روز یکشنبه ۲۴ آبان، درخواست بررسی فوری طرح اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات را در دستور کار قرار دادند و در نهایت با ۱۹۲ رأی موافق، یک فوریت آن را تصویب کردند.

در ابتدا قرار بود تقاضای دو فوریت این طرح بررسی شود، اما با درخواست ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، پیشنهاد یک فوریت به رأی گذاشته شد.

تفاوت این دو شیوه بررسی از نظر روند قانون‌گذاری اهمیت دارد. تصویب یک فوریت به معنای تأیید محتوای طرح یا اصلاح فوری قانون نیست، بلکه بررسی آن را در اولویت قرار می‌دهد. بنابراین، طرح همچنان باید مراحل قانونی بررسی و تصویب را طی کند.

چرا بازنگری اهمیت دارد؟

وزارت اطلاعات یکی از نهادهای اصلی مسئول جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مرتبط با امنیت کشور است و قانون تأسیس آن، چارچوب مأموریت‌ها و اختیارات این دستگاه را مشخص می‌کند.

با گذشت چند دهه از شکل‌گیری این وزارتخانه، ماهیت تهدیدهای امنیتی نیز دستخوش تغییر شده است. گسترش فناوری‌های ارتباطی، تهدیدهای سایبری، پیچیدگی فعالیت‌های اطلاعاتی و افزایش ارتباط میان مسائل اقتصادی و امنیتی، ضرورت به‌روز بودن قوانین را مطرح می‌کند. البته این تحولات به‌تنهایی نشان نمی‌دهد که طرح جدید مجلس ناظر بر چنین موضوعاتی است. تا زمان انتشار متن پیشنهادی، نمی‌توان درباره اهداف مشخص نمایندگان یا تغییر احتمالی اختیارات وزارت اطلاعات داوری کرد. بااین‌حال، هرگونه اصلاح در قوانین اطلاعاتی می‌تواند فرصتی برای بررسی تناسب میان مأموریت‌های امنیتی، ظرفیت‌های اجرایی و سازوکارهای نظارتی باشد.

امنیت و نظارت قانونی

یکی از موضوعات مهم در ارزیابی قوانین مرتبط با دستگاه‌های اطلاعاتی، چگونگی ایجاد توازن میان کارآمدی امنیتی و پاسخ‌گویی قانونی است. نهادهای اطلاعاتی برای انجام مأموریت‌های خود به اختیارات مشخص و ابزارهای تخصصی نیاز دارند، اما حدود این اختیارات نیز باید در چارچوب قوانین روشن باشد. از این منظر، اصلاح قانون می‌تواند با پرسش‌هایی درباره تعریف مسئولیت‌ها، هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط و شیوه نظارت بر عملکرد آنها همراه شود.

شفافیت درباره اهداف اصلاحات نیز اهمیت دارد. هرچند بخشی از فعالیت‌های اطلاعاتی ماهیتی محرمانه دارد، اصول کلی قانون‌گذاری و تغییرات پیشنهادی باید به اندازه‌ای روشن باشد که امکان بررسی حقوقی و کارشناسی فراهم شود.

فرصت بررسی کارشناسی

تبدیل درخواست دو فوریت به یک فوریت، فرصت بیشتری برای بررسی طرح در روند قانون‌گذاری فراهم می‌کند. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که تغییر در قوانین ناظر بر نهادهای امنیتی ممکن است پیامدهای حقوقی و اجرایی گسترده‌ای داشته باشد. در چنین شرایطی، بررسی کارشناسی ابعاد مختلف طرح، دریافت نظر دستگاه‌های مسئول و توجه به الزامات حقوقی می‌تواند به تدوین مقررات دقیق‌تر کمک کند.

همچنین لازم است نسبت اصلاحات پیشنهادی با قوانین موجود و وظایف سایر نهادهای مسئول در حوزه امنیت مشخص شود تا از ابهام یا تداخل احتمالی مسئولیت‌ها جلوگیری شود.

گام نخست، نه تصمیم نهایی

مصوبه روز یکشنبه مجلس را باید آغاز بررسی فوری یک طرح قانونی دانست، نه نشانه تصویب تغییرات در ساختار وزارت اطلاعات. تا زمانی که متن طرح و دلایل توجیهی آن منتشر نشود، ارزیابی دقیق آثار احتمالی اصلاحات امکان‌پذیر نخواهد بود. بااین‌حال، اهمیت موضوع در آن است که قوانین امنیتی باید ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای روز کشور، از انسجام حقوقی و سازوکارهای نظارتی مناسب برخوردار باشند.

اکنون نگاه‌ها به مراحل بعدی بررسی طرح در مجلس دوخته شده است؛ جایی که مشخص خواهد شد نمایندگان چه تغییراتی را ضروری می‌دانند و این تغییرات چگونه می‌تواند بر چارچوب قانونی فعالیت وزارت اطلاعات تأثیر بگذارد.